

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Iranians' Positive Criticism on European Architecture and Its Correlation
with Their Negative Criticism on Iranian Architecture and Town Planning
during the Late Qajar Era
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

تمجیدهای ایرانیان از معماری فرنگ و رابطه آن با انتقادهای آنان از معماری ایران در اواخر دوران قاجار

سعید حقیر*^۱، کامیار صلواتی^۲

۱. دانشیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.
۲. کارشناس ارشد مطالعات معماری ایران، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۱۲ تاریخ اصلاح: ۹۸/۰۶/۲۱ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۷/۰۱ تاریخ انتشار: ۹۹/۰۲/۰۱

چکیده

بیان مسئله: تغییر جهت معماری ایران در اوائل قرن حاضر می‌تواند مولود عوامل مختلفی باشد و یکی از آنها مشاهده مستقیم کشورهای توسعه‌یافته‌تر آن زمان بوده است. این مشاهدات از حیث معماری و شهرسازی نیز تأثیرگذار بوده و بر ذهنیات معمارانه و شهری ایرانیان اثر گذاشته‌اند.
هدف: هدف این مقاله بازخوانی و دسته‌بندی داورهای تمجیدآمیز ایرانیان درباره معماری و شهرهای اروپایی در سفرنامه‌های فرنگ اواخر دوران قاجار تا زمان کودتا و مقایسه آن با داورهای منفی‌ای است که ایرانیان، در همان دوران، درباره معماری ایران داشته‌اند.

روش تحقیق: این تحقیق به روش تفسیری-تاریخی و در چارچوب نظریه مدرنیته‌های چندگانه انجام شده است. با بررسی ۲۱ سفرنامه دوران قاجار متأخر (تا ۱۳۳۹ م.ق.)، داده‌های مربوط به سؤال تحقیق استخراج و سپس رابطه آن‌ها با داورهای انتقادی موجود درباره معماری و شهرهای ایرانی در متون آن زمان بررسی شده است.
نتیجه‌گیری: اصلی‌ترین تمجیدهای ایرانیان درباره معماری و شهرهای اروپایی مربوط به پاکیزگی شهرها و بناهای فرنگی، به‌قاعده‌گی (اجرا براساس نقشه‌های پیشینی و مستقیم و منظم بودن ساخته‌ها)، تکنولوژی، بلندی بناها، زیبایی پلکان‌ها، توجه به آثار عتیقه و تاریخی، و بالأخره توجه به فضاهای عمومی است. در ادامه، نشان داده شده است که فزونی تحسین از بعضی جنبه‌های معماری و شهری فرنگ (مثلاً بهداشت یا از روی نقشه بودن شهرها)، بیش از آنکه نشان‌گر ویژگی‌های معمارانه و شهری مقاصد آن‌ها باشد، نشان‌گر دغدغه آنان درباره همان جنبه‌ها در داخل ایران است و در انتقادهای آنان از معماری و شهرهای ایران نیز حضور پررنگ داشته است. به عبارت دیگر، مدرنیته ایرانی — که با مدرنیته غربی متفاوت است — با توجه به مسائل و دغدغه‌های درونی و بومی‌اش، به برخی دستاوردهای مدرنیته در معماری و شهرسازی توجه بیشتری نشان داده است و بدین ترتیب با توجه به ملزومات و نیازهای بومی، تفسیری اینجایی و گزینشی از مدرنیزاسیون معمارانه و شهری ارائه داده است.

کلیدواژه‌ها: غرب‌شناسی، سفرنامه، فرنگ، معماری و مشروطه.

بیان مسئله

ایرانیان به چشم خود در ممالک دیگر پسندیده‌اند و درباره‌اش اظهار نظر کرده‌اند. تا کنون بررسی «خود» بناها مدنظر پژوهشگران بوده است، اما از وجه مهم دیگر این جست‌وجو، یعنی داورهای ایرانیان در مواجهه با معماری غرب، تاکنون سخن چندانی گفته نشده است.
اینکه معماری و شهرسازی فرنگی چگونه در نظر ایرانیان

اگر قائل به ایجاد تغییر در سیر تاریخی معماری ایران از دوران اواخر قاجار و پهلوی اول باشیم، قاعدتاً باید برای این تغییرات ریشه‌هایی نیز متصور شویم. این ریشه‌ها می‌توانند جنبه‌های مختلفی داشته باشند، از جمله مشاهدات شخصی؛ یعنی آنچه

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۴۴۳۴۹۲۷، saeed.haghir@ut.ac.ir

است. این مفهوم که توسط آیزنشتات تبیین شده است، مخالف دیدگاهی است که مدرنیته و فرآیند مدرنیزاسیون را یکپارچه، شبیه به هم و «غربی» می‌داند. در نگاه آیزنشتات، مدرنیته در تمدن‌های دیگر به شکل‌های متفاوتی بروز پیدا کرده است. به عبارت دیگر، «مدرنیزاسیون» معادل «غربی شدن» نیست و الگوهای غربی مدرنیزاسیون، اگرچه از نظر زمانی از دیگر الگوها قدیمی‌ترند، تنها مدل مدرنیته نیستند (Eisenstadt, 2000, 3). روشنفکران جوامع غیرغربی در مواجهه با مدرنیته ناچار به انتخاب و گزینش و البته بازتفسیر الگوهای مدرنیته بوده‌اند. این بازتفسیرها، که با ویژگی‌های تمدنی و سنت‌های این جوامع در ارتباط بوده‌اند، باعث تغییر ویژگی‌های مدرنیته غربی و شکل‌گیری الگوهای نوین فرهنگی در این بسترها شده‌اند (Eisenstadt, 2001, 233). مدرنیته ایرانی نیز از این قاعده مستثنی نبود و ناچار بود بنا به شرایط سنتی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خویش بر بعضی جنبه‌های مدرنیته اولیه تأکید کند و بعضی دیگر را نادیده گیرد. مبنای پژوهش حاضر نیز توجه به الگوهای مدرنیته و مدرنیزاسیون معمارانه و شهری در ایران و تفاوت‌هایی است که حاصل تعامل خواست‌ها و مسائل بومی ایرانیان با دستاوردهای مدرنیته در حیطه معماری و شهرسازی در غرب بوده است. این تفاوت‌ها به توجه به بعضی از وجوه مدرنیزاسیون معمارانه و شهری و نادیده‌انگاری برخی دیگر منجر می‌شود.

روش تحقیق

این تحقیق به روش تفسیری-تاریخی انجام شده است. برای پاسخ به سؤال‌ها، ۲۱ سفرنامه از ایرانیان سفر کرده به فرنگ در دوران قاجار متأخر (تا ۱۳۳۹ ه.ق.) بررسی شده و سپس نظرات آنان دسته‌بندی و با انتقادهای ایرانیان درباره معماری و شهرهای ایرانی در همان دوران مقایسه شده است. در نهایت، براساس چارچوب نظری مدرنیته‌های چندگانه، نتایج به‌دست‌آمده به بحث گذاشته شده‌اند.

بحث: دسته‌بندی نظرات تحسین‌آمیز ایرانیان

• پاکیزگی

پاکیزگی یکی از پرسامدترین معیارهای ایرانیان برای «تیکو» یا «زینبا» پنداشتن شهرها و معماری اروپایی بوده است. حاج سیاح، بارها برای تمجید از شهرهای فرنگ پاکیزگی‌شان را گواه می‌گیرد.^۱ اولین دلیلی که عزالدوله^۲ برای «نهایت آبادی» «برلن»^۳ می‌آورد پاکیزگی کوچه‌هاست (سالور، ۱۳۷۴، ۱۹۱). ظهیرالدوله^۴ از تمیزی اتاق‌های «گار»^۵ حظ می‌کند (ظهیرالدوله، ۱۳۷۱، ۸۵). در «ورشاوی»^۶ نیز «خیابان و معابر پاک تمیز مزین» او را به تحسین وامی‌دارند (همان، ۱۳۹-۱۴۰). همو در «تفلیس» می‌نویسد: «خانه رعیتی اینجا خیلی بیرون و درونش تمیز است» (همان، ۱۰۳). مظفرالدین‌شاه، حین تمجید از «بروکسل»، از «کمال نظافت و پاکیزگی» آن می‌گوید (مظفرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۲۱ ه.ق.، ۲۱۷). حتی هنگامی که می‌خواهد «استانبول» را با فرنگ مقایسه کند،

جایگاه رفیع‌تری پیدا کرده است، یکی دیگر از ریشه‌های تغییر را بازمی‌نمایند. این داوری‌ها شاید ما را با لایه‌ای عمیق‌تر از دلایل مستتر در تغییر جریان معماری در دوره معاصر آشنا کنند، اما در این تحقیق، به وجه دیگری از این داوری‌ها — که عموماً به دلیل پیشرفت آن سال‌های دنیای غرب تمجیدآمیز هستند — توجه شده است؛ اینکه این داوری‌ها چه نسبتی با نوشته‌های ایرانیان درباره معماری و شهرهای وطنشان داشته‌اند.

این تحقیق در پی یافتن پاسخ سؤالات زیر است:

داوری‌های تمجیدآمیز ایرانیان درباره معماری و شهرهای فرنگی چه بوده است؟

این داوری‌ها چه ارتباطی با وضعیت و ویژگی‌های خود معماری و شهرهای ایرانی در آن دوران داشته‌اند؟

پیشینه تحقیق

از میان محدود تحقیق‌های مرتبط، کتاب «دریافت‌های غرب‌شناسانه از معماری اروپایی در سفرنامه‌های قرن نوزدهمی فارسی: سفرهایی در فضای فرنگی»^۱ (Vahdat, 2017)، شبیه‌ترین اثر به این تحقیق است. این کتاب بر آن است که برای شناخت مدرنیته برساخته در دیگر مناطق دنیا باید دنبال مرحله «انتقال» از غرب به مقصد بود و بنابراین می‌کوشد با بررسی نوشته‌های ایرانیان درباره معماری و شهرهای اروپایی و نسبت آن‌ها با سنت‌ها و پنداشت‌هایشان، به نحوه مواجهه این «خود ایرانی» و «دیگری از پیش تصور شده» بپردازد (ibid, 4). مرتبط‌ترین فصل کتاب با مقاله حاضر، فصل چهارم (ibid, 78-133) است. در این فصل، آن دسته از ویژگی‌های معماری و شهرها که در دوران فتحعلی‌شاه چشم مسافران ایرانی را گرفته بررسی شده‌اند. از جمله آن‌ها می‌توان به معابر وسیع، زیرساخت‌ها و نهادهای شهری، حیاط‌ها و باغ‌های آشکار، فضاهای عمومی، قوانین و مقررات ساخت‌وساز، روشنایی، و فضاهای خدماتی اشاره کرد. در کنار این تحقیق، می‌توان به نوشته میرزائی و پروین (۱۳۸۹)، «نمایش دیگری: جایگاه غرب در سفرنامه‌های دوره ظهور مشروطیت»، اشاره کرد که در آن بازنمایی غربیان به مثابه دیگری و انواع کلیشه‌سازی از آن‌ها در نوشته‌های ایرانیان بررسی شده است. در مقاله «نمایش تبادلات معماری و شهرسازی ایران و غرب در سفرنامه‌های ایرانیان به فرنگ در دوره قاجار»، رابطه توصیف‌های ایرانیان در سی سفرنامه و تحولات تاریخی معماری و شهرسازی در دوران قاجار مطالعه شده است (تازیکه لمسکی، قبادیان و سلطان‌زاده، ۱۳۹۵). همچنین کسانی چون بانی مسعود (۱۳۸۸) و عاملی (۱۳۹۱) به رابطه سفرهای فرنگ و تحولات معمارانه دوران قاجار اشاره کرده‌اند.

مبانی نظری

• مدرنیته‌های چندگانه

مبنای اصلی نظری این تحقیق، انگاره «مدرنیته‌های چندگانه»^۲

یک مشت ارزن به سرش بریزند یکی به زمین نمی افتد» (همان). علاوه بر این‌ها، ناصرالدین شاه حمام کوچکی «به طرز فرنگی» را «بسیار خوب» می‌داند (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۹، ۸۱). وزیر وظایف آستان قدس در «باطوم»^{۱۴} حمام نمره‌ای را «خیلی خوب» ارزیابی می‌کند (وزیر وظایف، ۱۳۷۹، ۵۴). نکته جالب اینجاست که علی‌رغم تمجیدش از حمام نمره، در پاک بودنش — احتمالاً شرعی — بعد از استحمام تردید دارد (همان). تصویر ۱ نشان‌دهنده حمامی عمومی در شهر لیورپول انگلستان، در اواخر قرن نوزدهم، است و تصویر ۲ ساختار کلی حمام‌های عمومی ایران را در نگاره‌ای از کمال‌الدین بهزاد (متعلق به دوره صفوی) نشان می‌دهد. حیرت از وضعیت بهداشتی شهرهای غرب به حمام محدود نیست. در یک نمونه خاص، حاج سیاح حیران «مستراح‌های مرمر» ایتالیاست که «با کمال سلیقه» در شهر ساخته شده‌اند (سیاح محلاتی، ۱۳۹۰، ۳۰۵).

• به‌قاعدگی

به‌نظر می‌رسد که راست و مستقیم بودن معابر شهر و اینکه این معابر براساس طرحی پیشینی ساخته شده باشند، دست کم در ذهن بعضی ایرانیان، یک ارزش قلمداد می‌شده است. مثلاً اعتصام‌الملک در توصیف مسیر مستقیم چهارسوق تا دروازه جنوبی «طبس»، چنین می‌نویسد: «از آنجا تا دروازه جنوبی کوچه مستقیمی است ولی اطرافش ابنیه و عمارات خرابه است» (اعتصام‌الملک، ۱۳۵۱، ۲۴۷). استفاده از حرف ربط «ولی» نشان

معیار مقایسه‌اش پاکیزگی است: «ابنیه و عمارات آنجا [...] به‌وضع عمارات فرنگستان است، اما به آن درجه پاکیزه [و] عالی نیست» (همان، ۱۷۸). این شاه قاجاری «قصیه اشلاکهنورت» را نیز «تمیز و قشنگ» می‌داند (مظفرالدین شاه قاجار، ۱۳۲۰، مق، ۷۱). اعتمادالسلطنه اشاره جالبی دارد که نشان می‌دهد از نظر او ایران و شهرهایش در قیاس با فرنگ کثیف‌اند و تمیزی معیار اصلی‌اش برای آبادی است: «اگر وقتی این شهر آباد شود [...] کوچه‌ها را تمیز نگاه دارند اولین شهر گرجستان خواهد بود. اما حالا همان شبیه تجریش است» (اعتمادالسلطنه، ۲۵۳۶ [۱۳۵۶]، ۴۳)؛ یعنی او «تجریش» را مجاز از شهری کثیف می‌گیرد. اعتصام‌الملک هم هنگام اشاره به کمال «نزهت» باغ «شاتودولر» پاریس، تنها از «تهایت پاکي و پاکیزگی» آن می‌گوید (اعتصام‌الملک، ۱۳۵۱، ۳۹-۴۰).

ناصرالدین شاه حمامی در «حاجی‌طرخان»^{۱۵} را تحسین می‌کند (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۶۲، ۱۷). حتی در «اسلامبول» که به‌نظرش در قیاس فرنگ چندان امتیازی ندارد، شیرهای آب گرم و سرد حمامی چشم او را می‌گیرند (همان، ۲۳۲). حمام احتمالاً محقر مریض‌خانه «لاباخ» نیز در نظر حاج سیاح «بسیار خوب» می‌آید؛ حمامی که «دو شیر» دارد و حوضی کوچک که با آن دو شیر آب گرم و سرد هرطور بخواهند می‌توان آب را سرد یا گرم کرد^{۱۶} (سیاح محلاتی، ۱۳۹۰، ۱۰۰). او در «لیون» نیز به حمام می‌رود و ساختار حمام‌های آنجا را توصیف می‌کند؛ ساختاری مشابه حمام مریض‌خانه لایباخ (همان، ۱۵۱).

عزالدوله در «تورین» به حمامی می‌رود که «از آن بهتر متصور نمی‌شد» (سالور، ۱۳۷۴، ۲۱۶-۲۱۶). او امر می‌کند که تفصیل آن حمام را بنویسند تا نمونه‌ای از آن را در تهران بسازد و از «زحمات» و «کثافت» حمام‌های تهران خلاص شود (همان، ۲۱۷). حمامی که او توصیف می‌کند نیز مشابه دو حمامی است که حاج سیاح خود را در آن‌ها شسته است. ظهیرالدوله در «باکو»^{۱۷}، که چندان هم از ایران دور نبوده، می‌نویسد: «به‌به از این حمام که تمیزی و پاکي آن از حدّ توصیف بیرون است!» (ظهیرالدوله، ۱۳۷۱، ۸۸). در نظر ظهیرالدوله، حمام نمره با اسلام سازگارتر است: «آب خزانه‌ای که علماء می‌گویند در ورود به حمام مستحب است یک کف دست شخص بخورد، آب این حمام است، و این خزانه. نه آن‌طور خزانه‌ها که من می‌دانم» و پس از وصف حمام، توضیحش را با این دعا به پایان می‌برد: «مولی نصیب تمام احباب من بکند که در این حمام تمیز بیایند» (همان). او در «ورشو» هم به محض سوار شدن به کالسکه امر می‌کند که «مرا ببر به بهترین حمام‌های شهر» (همان، ۱۳۹۰). او را به حمامی می‌برند که «حمام‌های نمره‌ای کوچک» دارد. از دیدن «حمامی»‌های آنجا هم چنان به‌وجود می‌آید که تناظری طنزآمیز میان آنان و حمامی‌های ایران برقرار می‌کند: «دو نفر حمامی جلو آمدند که اگر در تهران دیده می‌شدند یقیناً با یکی از وزیرمختارها شبهه می‌شدند. یادم آمد کربلایی حسن، حمامی جعفرآباد، که



تصویر ۱. حمام عمومی خیابان فردریک در بندر لیورپول انگلستان. مأخذ: bkthisandthat.org.uk

در نهایت، ظهیرالدوله هنگامی که می‌خواهد نشان دهد استانبول از تهران هم ناخوشایندتر است، «نبودن یک خیابان مستقیم در تمام اسلامبول» را مبنای داوری‌اش می‌گذارد (ظهیرالدوله، ۱۳۷۱، ۳۲۴). راست و مستقیم نبودن خیابان‌های تهران را در طرحی از اوژن فلاندن می‌توان دید (تصویر ۴).

به‌نظر می‌رسد که سنگ‌فرش بودن معابر فرنگ نیز در ذهن ایرانیان واجد ارزش بوده است. این مسئله در سفرنامه حاج سیاح کاملاً مشهود است. حاج سیاح در توصیف‌های تمجیدآمیزش به «محرر» یا سنگ‌فرش بودن معابر «تامبو»^{۱۹}، «استاوروپول»^{۲۰}، «کمنیتز»^{۲۱} و «مایانس»^{۲۲} اشاره می‌کند (سیاح محلاتی، ۱۳۹۰، ۴۰۰، ۴۴۶، ۴۶۴، ۴۷۸). او در دو شهر ایتالیایی «بولونی»^{۲۳}، «فلورانس»، و همچنین «ودسا» در روسیه تزاری آن‌زمان و «پاریس» فرانسه به این «علی‌حده» یا جدا بودن مسیر کالسکه یا حیوان (سواره) و انسان (پیاده) اشاره دارد و آن را تلویحاً جزو امتیازات این شهرها برمی‌شمرد (همان، ۲۶۱، ۲۶۶، ۳۳۲، ۱۵۸)؛ امری که قرینه نقد بعضی ایرانیان بر آمیختگی مسیرها، سد معبر و ایجاد مزاحمت گروه‌های مختلف در معابر است.

فرخ‌خان امین‌الدوله در سفرنامه‌اش نیز توصیفات مشابهی دارد: یکی وقتی بندر «مِسین» ایتالیا را به‌واسطه دلایلی چند از جمله «کوچه‌های راست و مفروش» آن «خوش‌ترکیب و باصفا» می‌داند (سرابی، ۱۳۷۳، ۱۶۲) و دیگر هنگامی که در کار وصف مسیر «مارسیل»^{۲۴} تا پاریس است. او آنچه را در این مسیر می‌بیند «حیرت‌آور» می‌داند و اولین دلیلی که در تبیین آبادی‌اش می‌آورد این است:

«هرچه دهات و باغات و خانه‌ها ساخته شده، همه به یک اندازه و یک قرار ترتیب گردیده است؛ زیرا که درین ولایت هیچ‌کس خودسر نمی‌تواند بنائی بسازد مگر به‌اذن دولت و موافق نقشه معماران دولتی. آنست که هر دهی و هر شهری و هر باغی و هر زراعتی و هر شهری و هر راهی ساخته می‌شود، همه به طرح معماری‌ست» (همان، ۱۹۲). در این زمینه، مظفرالدین‌شاه در مسیر رسیدن به «لوبسرن»



تصویر ۲. نگاره «هارون در حمام»، منسوب به کمال‌الدین بهزاد. مأخذ: <https://www.bl.uk>

می‌دهد که در تضاد با «خرابه» و — چنانکه در ادامه اشاره می‌کند — «محرر» بودن این منطقه از شهر، «مستقیم» بودن آن یک ارزش است. حاج سیاح در توضیح «معمور» بودن بندر «رسوا»^{۱۵} به «راست و موزون» بودن کوچه‌های آن شهر اشاره می‌کند (سیاح محلاتی، ۱۳۹۰، ۸۳). در جایی دیگر به توصیفی دیگر از او برمی‌خوریم که در آن صریحاً «راست» بودن کوچه‌ها را دلیل زیبایی شهر می‌داند: «شب آن شهر [آتن] خیلی زیباست، زیرا که اغلب کوچه‌ها راست [..] است» (همان، ۳۱۸)؛ و در توصیف محله‌های جدید «بریندیزی» و «باری» نیز چنین دلیلی می‌آورد^{۱۶} (همان، ۳۰۵-۳۰۶). در پتروسکی از «خیابان‌های بسیار خوب پاکیزه و وسیع در نهایت راستی، از دو جانب محجر» با «شجار مردف» (همان، ۳۹۷) و در نووچرکاسک^{۱۷} و «پورسای» در نزدیکی «پاریس» از نظم خیابان‌ها که نشانه‌ای از حُسن آن‌هاست می‌گوید (همان، ۳۵۸ و ۱۷۰). ناصرالدین‌شاه در توضیح چرایی زیبایی بروکسل «کوچه‌های [آ] راست و عریض» آن شهر را مثال می‌آورد (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۶۲، ۸۰) (تصویر ۳) و در برشمردن ویژگی‌های نیک «ننو» به «کوچه‌های سنگ‌فرش وسیع» این شهر اشاره می‌کند (همان، ۱۹۶). او حین بازدید از عمارت «لوگزامبورگ»^{۱۸} پاریس، در محضر «مسیو آلفاند» که او را «مهندس شهر» می‌خواند، از «راست»، «وسیع»، و «مسطح» بودن کوچه‌ها و با «نظم و سلیقه» درخت کاشتن حظ می‌کند (همان، ۱۴۹). عزالدوله از «سرراست» بودن کوچه‌های برلن می‌نویسد (سالور، ۱۳۷۴، ۱۹۱). اعتمادالسلطنه در توصیف کوچه‌های بادکوبه آن‌ها را «راست و به‌قاعده» می‌داند (اعتمادالسلطنه، ۲۵۳۶ [۱۳۵۶]، ۵۱).



تصویر ۳. عکسی از بروکسل در قرن نوزدهم میلادی. مأخذ: <https://monovisions.com>

می‌کرد. این وجه به‌خصوص در مواجهه ایرانیان با نورپردازی‌های شهری مشهود است.

امین‌الدوله در لیون از «کثرت چراغ‌های گازی و وفور روشنایی کوچه‌ها و خانه‌ها و بازارها»، که کل شهر را «مثل روز روشن و منور» کرده بودند، حیران می‌شود (سرابی، ۱۳۷۳، ۱۸۳)، بعد از مشاهده «شب پاریس» هرگونه اغراق را نیز ناکافی می‌داند (همان، ۱۸۹-۱۹۰) و در «شانزلیزه» چراغ‌های معابر و ساختمان‌ها توجهش را برمی‌انگیزانند (همان، ۱۹۳).

حاج سیاح بارها در توصیف شهرهای فرنگ می‌نویسد: «تمام شهر از چراغ‌گاز روشن»^{۲۴} (تصویر ۵). ناصرالدین‌شاه هنگامی که به سالن «آلبرت‌هال» لندن می‌رود آن را «مثل بهشت» می‌بیند و توضیح می‌دهد که همه بخش‌های این تالار عظیم «از چراغ‌گاز به طورهای مختلف عجیب روشن بود» (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۶۲، ۱۰۰). همو در پاریس در توضیح چرایی صفای شهر از «بسیار روشن» بودنش با چراغ‌های گاز می‌گوید (همان، ۱۳۳). در همین زمینه، وصف شاعرانه و آن‌جهانی عزالدوله درباره پاریس خواندنی است.^{۲۸} اعتصام‌الملک (۱۳۵۱، ۳۹-۴۰) و وزیر وظایف (۱۳۷۹، ۳۸) نیز توصیفات مشابهی دارند. مظفرالدین‌شاه از «جلوه خوب» و «بسیار قشنگ» «چراغ‌های الکتریک» بلژیک می‌گوید (مظفرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۲۰، ه.ق.، ۸۸، ۹۰). ظهیرالدوله نیز نزدیک به سی سال بعد شب‌های پاریس را چون روز می‌داند (ظهیرالدوله، ۱۳۷۱، ۱۵۶-۱۵۷).

علاوه بر مسئله روشنایی، ظهیرالدوله با توصیف تکنولوژی بادبزنی برقی هتلی در پاریس، بادبزنی مسجد شاه^{۲۹} تهران را به سخره می‌گیرد که «سه خروار وزن دارد و چهار نفر از کمر می‌افتند تا حرکتش بدهند و آن‌وقت فرق زیادی هم نکنند» (همان، ۱۶۰). همو با شگفتی از تجربه آسانسور می‌نویسد (همان، ۱۵۸) و از ایستگاه مترو^{۳۰} با حیرت بسان شهری کوچک یاد می‌کند که «در زیرزمین از آهن ساخته باشند» (همان، ۱۵۶-۱۵۷).

• بلندمرتبگی

چندمرتبه بودن ساختمان‌ها نیز بر ایرانیان تأثیرگذار بوده است. امین‌الدوله در بندر «مسین» از بناهای «عالیه پنج‌مرتبه سنگی» می‌نویسد (سرابی، ۱۳۷۳، ۱۶۲). این بلندمرتبه بودن در ذهن «عمارات» ایرانی می‌داند (تصویر ۶)، چنانکه در «ناپل» یکی از دلایل شباهت خانه‌های آن شهر با خانه‌های ایرانی را «یک‌مرتبه» بودنشان برمی‌شمرد (همان، ۱۷۱). وزیر وظایف یکی از دلایل «خوشگل و قشنگ» طراحی شدن بنایی در یکی از پارک‌های روسیه را چهارطبقه بودن آن می‌داند (وزیر وظایف، ۱۳۷۹، ۴۸). ناصرالدین‌شاه مهمان‌خانه‌های «بسیار بسیار قشنگ» و «دومرتبه» می‌بیند (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۷۹، ۱۶۰). اهمیت «عظمت» و بلندی در «عالی» شمردن بناها نزد مظفرالدین‌شاه نیز دیده می‌شود، آنجا که می‌نویسد «اگرچه» بروکسل عمارت «خیلی عظیم» ندارد،



تصویر ۴. طرحی از اوژن فلاندن از تهران در ۱۸۵۱. مأخذ: <https://art.rmngp.fr/fr>

سوئیس، برای توضیح چرایی صفای مسیر، عماراتی را تصویر می‌کند که «تک‌تک ردیف ساخته بودند» (مظفرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۲۰، ه.ق.، ۵۴).

این الگوهای راست و مستقیم هنگامی می‌توانند تعیین یابند که طرحی پیشینی برای شهر یا معابر یا همسایگی‌ها در کار باشد. از این منظر، پیوند میان راستی و طرح‌ریزی پیشینی، نهاد قانون‌گذار و نیز «به‌قاعدگی» بهتر دریافته می‌شود.^{۳۵}

دو شرح متفاوت نیز در سفرنامه‌های ظهیرالدوله و ناصرالدین‌شاه درباره اهمیت و کارکرد مالیات شهری در دست است. ظهیرالدوله پس از بحث درباره مالیات‌های گاه سنگین فرانسویان، می‌نویسد که اگر ساکنان شهر، شهر را به‌سامان می‌خواهند باید حکومت را از نظر مالی برای اصلاح امور یاری کنند (ظهیرالدوله، ۱۳۷۱، ۱۹۰-۱۹۱). سخن ظهیرالدوله این است: «ساخت‌وساز در فرانسه به‌سامان است چون مردم به بلدیة مالیات می‌دهند و بلدیة به شهر رسیدگی می‌کند، اما در ایران مردم مالیات نمی‌دهند چون اولاً بلدیة‌ی وجود ندارد، ثانیاً مردم خود همکاری نمی‌کنند و بالآخره اگر بلدیة‌ی هم به‌راه شود منشأ فساد می‌گردد» (همان). در سوی دیگر، ناصرالدین‌شاه مالیات را نشانه «آزاد نبودن» می‌داند (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۷۹، ۲۰۹). ناصرالدین‌شاه این‌ها را می‌گوید اما به وظایف نهادهای مالیات‌گیر اشاره‌ای نمی‌کند.

• افسون تکنولوژی

تکنولوژی و تأثیر آن بر شهر و معماری نیز ایرانیان را مجذوب خود



تصویر ۶. دورنمای شهر تهران در دوره قاجار متأخر. عکس از آنتوان سوروگین. مأخذ: <https://asia.si.edu>



تصویر ۷. تصویری از بروکسل در قرن نوزدهم میلادی و بناهای بلندمرتبه آن. مأخذ: <https://monovisions.com>



تصویر ۵. ترسیمی از روشن کردن چراغ گاز در خیابان در سده نوزدهم (از مجموعه جان جیکل). مأخذ: www.uvm.edu

شعری عبرت‌آمیز درباره سرنوشت این بنا خطاب به اتابک اعظم می‌خواند (مظفرالدین شاه قاجار، ۱۳۲۰ ه.ق، ۴۸). ناصرالدین شاه در آلمان قصری می‌بیند و آنچه بدان اشاره می‌کند آن است که «همین خرابه را به‌طور خوب، قشنگ نگاه داشته‌اند که مردم به تماشا و سیاحت بیایند» (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۹، ۱۴۳). همو در لهستان به «باغ ویلانف» می‌رود و می‌نویسد: «این عمارت خیلی قدیم است ولی بسیار خوب نگاه داشته‌اند و خوب عمارتی است» (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۶۹، ۱۷۰).

• عمومیت

گاه حضور عموم در فضاهای شهری فرنگ باعث جلب توجه سفرنامه‌نویسان ایرانی در فرنگ شده است. مثلاً امین‌الدوله از قسمت‌های «مخصوص مترددین پیاده» شانزلیزه می‌گوید (سرابی، ۱۳۷۳، ۲۱۴). او اندکی پس از این چنان مبهوت «کوچه بلوار» در پاریس می‌شود که «در همه شب‌های سال گردشگاه عام» و «مملو از روشنایی‌ست»، که هر افراتی را در توصیفش روا می‌دارد (همان، ۲۱۵). او «تفرج و گشت و گردش» فرانسوی‌ها را در کوچه بلوار «عجیب»^{۳۴} می‌بیند که نشان می‌دهد

«خیلی خوب شهری است»^{۳۱} (مظفرالدین شاه قاجار، ۱۳۲۰ ه.ق، ۲۱۱) (تصویر ۷).

• پله و پلکان

پله‌ها در این دوران برای برخی از ایرانیان ارزشی زیبایی‌شناسانه می‌یابند و از عنصری پنهان در کنج به معرض دید می‌آیند. ظهیرالدوله هنگام دیدن «گار» باکو، هتلی در پاریس، «ارمیتاژ»، و سالن اپرای پاریس، از زیبایی پله‌های آنجا می‌نویسد (ظهیرالدوله، ۱۳۷۱، ۸۵، ۱۵۲، ۲۵۲) (تصویر ۸).

• مواظبت از آثار عتیقه

نکته دیگری که مشهود است جلب توجه ایرانیان به مواظبت فرنگی‌ها از آثار تاریخی‌شان است، که در تضاد با عدم رسیدگی به آثار تاریخی داخل ایران در آن دوره بوده است (تصویر ۹). حاج سیاح چندین موزه اروپایی را می‌بیند^{۳۲} و ناصرالدین شاه به «موزه اتنوگرافی» مسکو می‌رود (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۶۲، ۲۵). عزالدوله به تفصیل شرح «موزه بریتانیک»^{۳۳} را در سفرنامه‌اش ثبت می‌کند (سالور، ۱۳۷۴، ۲۰۵-۲۰۶) (تصویر ۱۰). مظفرالدین شاه از «کولوسئوم» دیدن می‌کند و به رسم پیشینیان



تصویر ۱۰. افتتاح بال شمالی موزه بریتانیا در ۱۹۱۴ م. مأخذ: <https://www.britishmuseum.org>



تصویر ۸. پلکان موزه ارمیتاژ، مأخذ: <https://st-petersburg.guide>

سبزی روشنی چراغ گاز، موسیقیان مشغول به نواختن، بسیاری از اطفال و جوانان را دیدم که بی خودانه به رقص مشغول بودند، مردم در نهایت آزادی و در مقام انسانیت همگی مقید و تکالیف همگان یکسان» (همان، ۱۵۸).

او شهر فرنگی را به مثابه صحنه‌ای روشن، بی وقفه، آزاد و زنده تصویر می‌کند: «مردمانش خیلی با شوق و ذوق. شب‌ها تا صبح مشغول اند به گردش. چراغ‌ها همه روشن، مردم در نهایت آزادی»^{۳۶} (همان، ۳۵۳). عزالدوله در توصیف احوال پاریس تعابیر مشابهی را به کار می‌برد: «کسی را با کسی کاری نیست، شب‌ها تا صبح اگر کسی بگردد و هزار کار به میل خاطر بکند هیچ کس نگویندش که هیچ، نپرسندش که چون» (سالور، ۱۳۷۴، ۲۱۰) (تصویر ۱۱).

افزون بر این‌ها، وزیر وظایف آستان قدس درباره یکی از باغ‌های باکو می‌نویسد: «باغ عمومی است، هر کس می‌خواهد تماشا می‌کند، چیزی هم نمی‌گیرند» (وزیر وظایف، ۱۳۷۹، ۴۸). ناصرالدین‌شاه پارک لوگزامبورگ فرانسه را «باغ عامه» می‌داند؛ باغی که «مردم هرروز آنجا به گردش می‌روند» (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۶۲، ۱۴۹).

مظفرالدین‌شاه درباره پارکی در «هلاند»^{۳۷} که «قصر پرنس در آن واقع است» — یعنی باغی حکومتی است — می‌گوید: «این پارک مطلقاً دیواری ندارد» (مظفرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۲۰ ه.ق.، ۱۹۰).

که نشان‌گر نقش دیوار در تعریف ذهنی‌اش از باغ یا پارک است. بالکن‌ها نیز چنین جلوه‌ای در سفرنامه‌ها دارند. مظفرالدین‌شاه امر می‌کند که بالکنی در «استاند» بلژیک را ذرع کنند (همان، ۸۸). علاوه بر این، بالکنی «نیم‌دایره‌ای» در «بلگراد»^{۳۸} (مظفرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۲۱ ه.ق.، ۲۱۲) و بالکن پارلمان در حال ساخت مجارستان و منظره رو به شهر و رو به رود «دانوب» آن بالکن در نظرش زیبا می‌آیند (همان، ۲۱۱). ظهیرالدوله نیز از بالکنی در «ولاد»^{۳۹} تمجید می‌کند (ظهیرالدوله، ۱۳۷۱، ۱۲۶).

مظفرالدین‌شاه در توضیح تفاوت «وضع عمارات فرنگستان» و اهمیت فضای بیرونی‌شان می‌نویسد که «فضا»ی هر خانه و عمارت منحصر به کوچه و خیابان است» و «در داخله منازل محل تفرج و تفریحی ندارد مگر متمولین» (مظفرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۲۱ ه.ق.، ۱۳۹).



تصویر ۹. تخت جمشید در اواخر دوران قاجار در عکسی از سوروگین. مأخذ: <https://asia.si.edu>

حضور در شهر به قصد تفرج در آن زمان — ۱۲۷۲ ه.ق. — چقدر برایش غریب بوده است (همان، ۲۱۷).

حاج سیاح در «میلان» و تورین «کرسی»‌های کنار خیابان و مردمانی که بر روی آن نشسته‌اند را توصیف می‌کند (سیاح محلاتی، ۱۳۹۰، ۱۱۹، ۱۲۴). در پتروسکی به «جایی وسیع» اشاره می‌کند که مخصوص نوازندگان است و عموم مردم به شنیدن نوای سازشان مشغول اند (همان، ۳۹۷). هم‌ااز «پاساژ»ی در «گلاسکو» می‌نویسد که مردم آن شهر عصرها آنجا در گردش‌اند (همان، ۵۱۴) و از باغچه (پارک) خوبی در فئه‌سیه^{۳۵} که تفرج‌گاه «عموم مردم» است می‌نویسد (همان، ۳۴۸). توصیف او از پاریس نیز از این منظر خواندنی است:

«رفتیم تا میدان بسیار طویل و عریض. اشجار همه سبز در میان

بحث

• قرینگی تحسین بیرون با نقد درون و معیارهای جدید ارزیابی معماری و شهرهای ایرانی

ممکن است چنین به نظر برسد که داورها و گزارش‌های ذکر شده معطوف به معماری اروپایی اند، اما حاوی حقایقی درباره معماری و شهرهای ایرانی هم هستند. تکرارپذیری و چگونگی توصیف‌های این سفرنامه‌نویسان نشان می‌دهد که این توصیفات باز نمود وضعیت معماری و شهرهای ایرانی یا دست کم ذهنیت نویسندگانشان درباره معماری و شهرهای ایرانی است. مثلاً موضوع پاکیزگی که بیشترین وزن را در این گزارش‌ها دارد، بیشترین وزن را در میان داورهای ایرانیان درباره معماری و شهرهای ایرانی نیز دارد؛ برای مثال، در منابع دوران مشروطه مسئله کثیفی فضاهای مصنوع در ایران تکرارشونده‌ترین نقد است (صلواتی، ۱۳۹۶، ۱۶۱). حاج سیاح، که علاوه بر سفرنامه، خاطراتش در ایران را هم نوشته، در خاطراتش از «پراز زباله و کثافت و مردار» بودن کوچه‌های تهران می‌نویسد و آن را به حمام‌های شهر نیز تعمیم می‌دهد (سیاح محلاتی، ۲۵۳۶، [۱۳۵۶]، ۵۴۸). عین‌السلطنه در خاطراتش بارها به معضلات بهداشتی شهرها، به خصوص تهران می‌پردازد؛ به‌قرینه تمجیدهای آب‌وتاب‌دار فرنگ‌رفته‌ها از حمام‌های فرنگی، به نظر او «هر کس از حمام‌های ایرانی بیرون بیاید کثیف‌تر» می‌شود (سالور، ۱۳۷۶ ب، ۵۴۶۰).

قرینگی نقدها به درون و تمجیدها از بیرون در موارد دیگر هم متجلی است. مثلاً حاج سیاح چند باری از کجی و تنگی معابر ایرانی گله می‌کند و درباره سمنان می‌نویسد: «مثل سایر شهرهای ایران کوچه‌های تنگ و کج و معوج دارد» (سیاح محلاتی، ۲۵۳۶، [۱۳۵۶]، ۲۳۳). به‌قرینه تمجید از وجود نقشه پیشینی در شهرهای فرنگی، عین‌السلطنه، از «مهندسی نکردن» شهرهای ایرانی، یعنی از پیش نقشه نداشتن آن‌ها، ناراضی است (سالور، ۱۳۷۶ الف، ۵۶۱). به‌قرینه توجه سفرنامه‌نویسان به میراث اروپاییان، به یادداشت‌هایی در انتقاد از کم‌توجهی ایرانیان به میراثشان برمی‌خوریم. علاوه بر حاج سیاح، که متوجه این مقوله و کم‌اهمیتی بناهای باستانی و

کاخ‌های صفویه است (سیاح محلاتی، ۲۳۳، ۸۵، ۴۲)، دیگرانی چون وحیدالملک به آثار «تاریخی» و «نفیسه» اصفهان می‌پردازند و از بی‌توجهی به آن‌ها شاکی‌اند^{۴۱} (وحیدالملک، ۱۳۷۸، ۳۱). در تقارن تحسین عمومیت فضاهای شهرهای فرنگی، حاج سیاح، در خاطراتش، از نبود فضاهای عمومی و تفرجگاهی در ایران ناراضی است^{۴۲} (سیاح محلاتی، ۲۵۳۶، [۱۳۵۶]، ۴۴). در مقایسه با فضاهای عمومی شهرهای اروپایی می‌توان به میدان توپخانه در تهران اشاره کرد (تصویر ۱۲).

به‌همین ترتیب، می‌توان قرینه‌هایی برای تکنولوژی، پلندمرتبگی، نورپردازی یا حتی پله در نوشته‌های ایرانی یافت. مثلاً درباره پله‌ها، فارغ از تمجیدهای زیبایی‌شناسانه از پله‌های نمایان متأثر از فرنگ، از نظر کارکردی هم به نوشته‌هایی برمی‌خوریم که نشان‌گر شکایت بعضی ایرانیان از الگوی سنتی ساخت و جانمایی پلکان‌هاست^{۴۳}.

بنابراین، می‌توان گفت که اصلی‌ترین و پرشمارترین تمجیدهای ایرانیان در مواجهه با معماری و شهرهای فرنگی، به خصوص اشاره آن‌ها به وضعیت بهداشتی شهرها و وجود قواعد تنظیم‌کننده و استانداردساز ساخت، نه فقط نشان‌گر تمجید جنبه‌های عینی معماری و شهرهای فرنگی، که نمایان‌گر معضلات معماری و شهرهای ایرانی در نظر ایرانیان آن دوران و خواسته‌های آن‌ها برای بهبود این شهرها هم هست که باعث می‌شود این دست ویژگی‌ها در فرنگ برایشان پررنگ‌تر شود.

به‌عبارت بهتر، خوانش آن‌ها از این فضاها، بستگی مستقیمی به سابقه ذهنی و مسائل روزمره‌شان در ایران دارد. از طرف دیگر، سایر مشاهدات و داورهای ایرانیان در مواجهه با این فضاها، اگر ریشه در دغدغه‌ها و خواسته‌های درونی نداشته باشد، تبدیل به معیارهایی برای ارزیابی بناهای ایرانی شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله داورهای ایرانیان درباره معماری و شهرهای اروپایی در سفرنامه‌های فرنگ دوران مشروطه بررسی شد و نشان داده شد که اصلی‌ترین تمجیدهای ایرانیان درباره معماری و شهرهای



تصویر ۱۲. میدان توپخانه تهران، اوایل قرن بیستم. مأخذ: <http://www.iichs.ir>



تصویر ۱۱. نقاشی «شب پاریس» اثر مارسل کلیمان، ۱۸۷۳. مأخذ: www.fineartphotographyvideoart.com

۱۲. او در وصف پتروسکی هم به حمام‌های «بسیار پاکیزه آن» اشاره می‌کند (سیاح محلاتی، ۱۳۹۰، ۳۹۸).
۱۳. یا «بادکوبه»
۱۴. «باتومی»
۱۵. در جنوب غربی رومانی امروز
۱۶. مستقیم بودن در ذهن حاج سیاح نشانه جدید بودن است و ناراستی و کجی معابر نشانه «قدیم» بودن طرح‌ها؛ مثلاً هنگامی که او در «ژم» است در توصیف معابر بخشی از شهر می‌نویسد که «به‌وضع قدیم مقرر داشته‌اند؛ یعنی اسلوب خیابان ندارد» (سیاح محلاتی، ۱۳۹۰، ۲۷۶).
۱۷. در شمال قفقاز و غرب روسیه
۱۸. کاخی قرن هفدهمی و متفاوت با شهر اکشور «لوگزامبورگ»
۱۹. در جنوب شرقی مسکو
۲۰. در جنوب غربی روسیه
۲۱. در شرق آلمان
۲۲. «هاینتس» شهری مرکز متمایل به غرب آلمان
۲۳. «بولونیا»
۲۴. «مارسی»
۲۵. در موردی مشابه (اهمیت نهاد قانون‌گذار شهری)، حاج سیاح در ذکر دلایل «آراسته و پیراسته» بودن لیون — بدون اشاره صریح به سازوکار سازمانی شهر — از روزی دوبار آب‌پاشیدن بر «دکاکین» می‌نویسد.
۲۶. او از این جمله یا شبیه به آن در توصیف محاسن شهرهای «گراتس»، «سیلی»، «لایباخ»، «تری‌است»، «میلان»، «موناکو»، «پاریس»، «ورسای»، «برویانسکی»، «چرنی‌یار»، «مزدق»، «کمینتز»، «اودسا»، «اتن»، «باری»، «جنوا»، «پیزا»، «بولونی»، «بال»، «لیزی»، «اوتسبورگ»، «کاسل»، «هانور»، «بیرمنگام»، «پرستون»، «کرک»، «یلفسا»، «گلاسکو» و «هاور» بهره می‌گیرد.
۲۷. تا ۱۸۸۸ (چهارده سال پس از بازدید ناصرالدین‌شاه) در این سالن از چراغ‌های گاز استفاده می‌شد.
۲۸. اگر شهر در دنیا هست اول آن‌ها پاریس است. نه شهر بلکه رشک جنان است. هوای روشن، شارع‌های وسیع، خیابان‌ها موافق طبع، مردم با کمال مهربانی و حال آنکه اکثر عزادار و ملول هستند. اسماً از بس که به هر رهگذار و خیابان چراغ‌های گاز می‌سوزد نه بگوینی ابتدا شب این ولایت را بلد نیست و آفتاب هیچ‌وقت دل از خرمی و پاکیزگی این شهر نمی‌کند که خود را به محل غروب پنهان کند» (سالور، ۱۳۷۴، ۲۱۰).
۲۹. مسجد امام.
۳۰. مترو پاریس در ژوئیه ۱۹۰۰ م آغاز به کار کرده است؛ یعنی درست اندکی پیش از سفر ظهیرالدوله و مظفرالدین‌شاه به فرنگ. نک:
- http://www.paris-city.fr/GB/paris-city/au-fil-du-temps/histoire-metro.php
۳۱. همو «پینه» را نیز به واسطه «عمارات عالی شش مرتبه‌اش» «بسیار خوب شهری» می‌داند (سالور، ۱۳۷۴، ۲۰۴).
۳۲. موزه‌های برلین (سیاح محلاتی، ۱۳۹۰، ۴۵۹)، گراتس (همان، ۹۶)، «تفانرگ» (همان، ۳۵۶) و ادینبورگ (همان، ۵۱۷) و نیز «آثار قدیمه رم چون کلسئوم و پانتئون» (همان، ۲۸۲-۲۸۶).
۳۳. موزه ملی بریتانیا
۳۴. بعد از اشاره به تفرج فرانسویان در این کوچه اضافه می‌کند که «عجیب‌تر از آن» وجود بولگه‌های عمومی است؛ یعنی تفرج مردم در کوچه بلوار عجیب و بولگه‌ها از آن عجیب‌ترند (سرایی، ۱۳۷۳، ۲۱۵).
۳۵. احتمالاً شهری نزدیک سیمفروپول کریمه
۳۶. حاج سیاح چند جا به وجود «باغچه» یا «باغچه عمومی» به‌معنای پارک، اشاره می‌کند؛ از جمله در موناکو (سیاح محلاتی، ۱۳۹۰، ۱۳۳)، نووچراکاسک (همان، ۳۵۸)؛ مزدق (همان، ۳۹۵)؛ «کاتریندار» (همان، ۴۰۲) و «مانهایم» (همان، ۴۷۷).
۳۷. هلند
۳۸. که به‌نظرش «تماشای خوبی دارد».
۳۹. «ولادی قفقاز» مرکز «وستیای شمالی» در روسیه
۴۰. ظاهراً منظورش از «فضا»، فضای باز غیرمسقف خانه است.
۴۱. که این حاصل خودآگاهی تاریخی-ملی ایرانیان در آن دوره نیز هست.
۴۲. به‌نظر او عمارات عالی در ایران «به خرج یک‌نفر اسماً برای یک‌نفر و متعلق به یک‌نفر» است در حالی که در «ممالک متمدنه [...] عموم خلق در تماشا و گردش و فایده آن شریک‌اند».
۴۳. از جمله شکایت عین‌السلطنه از پله‌های چهل‌ستون قزوین در خاطراتش و اشاره به ارتفاع نامناسب آن (سالور، ۱۳۷۶ ب، ۵۹۸۱-۵۹۸۲) یا ارزش‌گذاری معمارانه‌اش درباره شمار طبقات: «خیلی خانه‌های ما عالی باشند سه طبقه خواهند بود» (سالور، ۱۳۷۶ الف، ۵۳۲-۵۳۳).

اروپایی مربوط به وضعیت بهداشتی و پاکیزگی شهرها و بناهای فرنگی، به‌فراوانی در ساخت، تکنولوژی، بلندی بناها در اروپا، زیبایی پلکان‌های اروپایی، توجه به آثار تاریخی، و بالأخره توجه به فضاهای عمومی است.

همچنین، در بخش تفسیری مقاله با چند مثال از نوشته‌های ایرانیان در همین دوران نشان داده شد که بعضی از پرتکرارترین این تحسین‌ها، بیش از آنکه نشان‌گر چیزی درباره ممالک اروپایی باشند، نشان‌گر عارضه‌ها و مشکلات شهرها و معماری ایران در نظر نویسندگانشان هستند. به دیگر سخن، ایرانیان با توجه به مسائل و دغدغه‌های درونی و بومی‌شان، به برخی دستاوردهای مدرنیته در معماری و شهرسازی توجه بیشتری نشان داده‌اند و بدین ترتیب بنا بر نظریه «مدرنیته‌های چندگانه»، تفسیری نو، بومی و گزینشی از مدرنیسمیون معمارانه و شهری ارائه داده‌اند. این تفسیر نو بر پایه وضعیت موجود معماری و شهر در ایران آن دوران بوده است و در حقیقت، نه تماماً محصول به‌کارگیری الگوها و اندیشه‌های وارداتی غربی، که حاصل پاسخ‌های مدرنیته، یا به عبارت بهتر برداشت ایرانیان از پاسخ‌های مدرنیته، به نیازها و خلأهای درونی بوده است. این نتیجه می‌تواند باعث شود که ما در برداشتمان از تاریخ معماری و شهرسازی در ایران بازاندیشی کنیم: آنچه در تحلیل‌های رایج یکسره غربی و «وارداتی» می‌پنداریمش، نوع دیگری از مدرنیته است که مشخصاً از سوی ایرانیان گزینش و ویرایش شده است و در رابطه‌ای رفت‌وبرگشتی با واقعیت موجود در جامعه میزبان (ایران)، مدام تغییر شکل می‌دهد است. هم برداشت‌های ایرانیان از وضعیت خویش تحت‌تأثیر مشاهدات آن‌ها از فرنگ بوده و هم مشاهدات و برداشت‌هایشان از فرنگ تحت‌تأثیر وضعیت آنان در داخل. این برداشت‌های دوطرفه، به واسطه گذر از صافی ذهنی ایرانیانی که تجربه زیستن در مملکت خویش با همه مسائلیش را دارند، وضعیتی یگانه و این‌جایی پیدا کرده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. Occidental Perceptions of European Architecture in Nineteenth-Century Persian Travel Diaries: Travels in Farangi Space
۲. Multiple Modernities
۳. «پست» در مجارستان را «پاک شهری» می‌داند (سیاح محلاتی، ۱۳۹۰، ۹۰)، به «نهایت پاکیزگی» عمارات «لایباخ» اشاره می‌کند (همان، ۱۰۱)، و از پاکیزگی کوچه‌های «میلان» (همان، ۱۱۵)، معابر «ونیز» (همان، ۱۰۶)، مرکز «تورین» (همان، ۱۲۴)، کوچه‌های «پاریس» (همان، ۱۵۶)، «هاور» (همان، ۵۲۰)، «دینبورگ» (همان، ۵۱۶) و «هانور» (همان، ۴۸۹) می‌نویسد.
۴. برادر و همراه ناصرالدین‌شاه در سفر ۱۲۹۰ ه.ق.
۵. «برلین»
۶. همراه مظفرالدین‌شاه در سفر ۱۳۱۷ ه.ق.
۷. راه‌آهن
۸. «ورشو»
۹. مشخص نیست که باید این جمله را «پاکیزه عالی» خواند یا «پاکیزه [و] عالی».
۱۰. «آستراخان» شهری در جنوب روسیه.
۱۱. حمامی که «صندلی و میز و نیم‌تخت و انواع عطریات و گل و غیره» دارد؛ «دو شیر آب» در آن به حوضی می‌رود که «یکی سرد و دیگری گرم است» که به‌هردرجه حرارت لازم باشد می‌توانند آب حوض را نگاه دارند.

فهرست منابع

- شهرستان‌های استان تهران). فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱(۴)، ۷۵-۱۰۰.
- مظفرالدین‌شاه قاجار. (۱۳۲۰ ه.ق.). دومین سفرنامه مبارکه اعلیحضرت قدرقدرت اقدس شهریاری (ارواحا فداه) / سفرنامه سفر دوم مظفرالدین‌شاه به فرنگ. طهران: مطبعه مبارکه شاهنشاهی.
 - مظفرالدین‌شاه قاجار. (۱۳۲۱ ه.ق.). سفرنامه مبارک شاهنشاهی / سفرنامه اول مظفرالدین‌شاه به فرنگ. بمبئی: [ابی‌نا].
 - میرزائی، حسین و پروین، امین. (۱۳۸۹). نمایش دیگری: جایگاه غرب در سفرنامه‌های دوره ظهور مشروطیت. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۱۳(۱)، ۷۷-۱۰۵.
 - ناصرالدین‌شاه قاجار. (۱۳۶۲). سفرنامه ناصرالدین‌شاه به فرنگ / سفر اول. با مقدمه عبدالله مستوفی. تهران: موسسه انتشارات مشعل با همکاری انتشارات غزل.
 - ناصرالدین‌شاه قاجار. (۱۳۶۹). روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه در سفر سوم فرنگستان. به تحقیق و تصحیح فاطمه قاضیها و محمداسماعیل رضوانی. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
 - ناصرالدین‌شاه قاجار. (۱۳۷۹). روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه در سفر دوم فرنگستان (۱۲۹۵ ه.ق.). به کوشش فاطمه قاضیها. تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد.
 - وحیدالملک [عبدالحسین شیبانی]. (۱۳۷۸). خاطرات مهاجرت: از دولت موقت کرمانشاه تا کمیته ملیون برلن. به کوشش ایرج افشار و کاوه بیات. تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
 - وزیر وظایف، داودبن علینقی. (۱۳۷۹). سفرنامه وزیر وظایف. به کوشش علی قاضی‌عسگر. تهران: موسسه فرهنگی و هنری مشعر.
 - Eisenstadt, S. N. (2000). Multiple Modernities, *Daedalus*. 120(1), 1-29.
 - Eisenstadt S. N. (2001). The Civilizational Dimension of Modernity, *International Sociology*. 16(3), 320-340.
 - Vahdat, V. (2017). *Occidental Perceptions of European Architecture in Nineteenth-Century Persian Travel Diaries: Travels in Farangi Space*. London & New York: Routledge.
 - اعتصام‌الملک، میرزا خانلرخان. (۱۳۵۱). سفرنامه اعتصام‌الملک. به کوشش منوچهر محمودی. تهران: [ابی‌نا].
 - اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان. (۲۵۳۶ [۱۳۵۶]). سفرنامه اعتمادالسلطنه. به کوشش محمد گلبن. تهران: سحر.
 - بانی مسعود، امیر. (۱۳۸۸). معماری معاصر ایران: در تکاپوی بین سنت و مدرنیته. تهران: هنرمعماری قرن.
 - تازیکه لمسکی، ایمان؛ قبادیان، وحید و سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۵). نمایش تبادلات معماری و شهرسازی ایران و غرب در سفرنامه‌های ایرانیان به فرنگ در دوره قاجار. فصلنامه مدیریت شهری، (۴۴)، ۵۱۹-۵۳۵.
 - سالور، مسعود. (۱۳۷۴). عبدالصمد میرزا سالور عزالدوله و دو سفرنامه او به اروپا در سال‌های ۱۲۹۰ و ۱۳۰۰. تهران: نامک.
 - سالور، مسعود. (۱۳۷۶ الف). روزنامه خاطرات عین‌السلطنه (جلد اول). به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار. تهران: اساطیر.
 - سالور، مسعود. (۱۳۷۶ ب). روزنامه خاطرات عین‌السلطنه (جلد هفتم). به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار. تهران: اساطیر.
 - سرابی، حسین‌بن عبدالله. (۱۳۷۳). سفرنامه فرخ‌خان امین‌الدوله. به کوشش کریم اصفهانیان و قدرت‌الله روشنی. تهران: اساطیر.
 - سیاح محلاتی، حاج محمدعلی. (۲۵۳۶ [۱۳۵۶]). خاطرات حاج سیاح. به کوشش حمید سیاح؛ به تصحیح سیف‌الله گلکار. تهران: امیرکبیر.
 - سیاح محلاتی، حاج محمدعلی. (۱۳۹۰). سفرنامه حاج سیاح. به کوشش علی دهباشی. تهران: سخن.
 - صلواتی، کامیار. (۱۳۹۶). نقد معماری و شهرهای پیشامدرن ایرانی در خاطرات و نشریات دوران مشروطه. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران. دانشگاه تهران، ایران.
 - ظهیرالدوله [علی‌بن محمدناصر]. (۱۳۷۱). سفرنامه ظهیرالدوله همراه مظفرالدین‌شاه به فرنگستان. به کوشش محمداسماعیل رضوانی. تهران: انتشارات کتابخانه مستوفی.
 - عاملی، سیدسعیدرضا و اخوان منیژه. (۱۳۹۱). بازنمایی عناصر هویت‌بخش شهری در سفرنامه‌ها (مطالعه مقایسه‌ای تهران و

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

حقیر، سعید و صلواتی، کامیار. (۱۳۹۹). تمجیدهای ایرانیان از معماری فرنگ و رابطه آن با انتقادهای آنان از معماری ایران در اواخر دوران قاجار. باغ نظر، ۱۷(۸۳)، ۵-۱۴.

DOI: 10.22034/bagh.2019.188582.4146

URL: http://www.bagh-sj.com/article_105724.html

